

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی - 19 دی / 1389

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوشامدید برادران و خواهران عزیز؛ و تشکر میکنیم از یکایک شما که این راه را طی کردید و این حسینیه را به حضور گرم و صمیمی خودتان و نشانه‌های اخلاص و محبتی که همیشه در برادران و خواهران قمی مشاهده کرده‌ایم، انباشتید.

خدا را شکر میکنم و خوشحالم از اینکه این دیدار با فاصله‌ی کمی از سفر قم اتفاق می‌افتد که مردم عزیز قم، جوانهای قم، مرد و زن قم، در آن سفر، نشانه‌های پایبندی و وفاداری به اسلام را، به دین را، به نظام اسلامی را و نشانه‌های بصیرت را آنچنان بروز دادند که حتی دشمنان ملت ایران هم نتوانستند در مقابل آن ساکت بمانند و به آن اعتراف کردند.

همیشه با عکس‌العمل‌های دشمنان میتوان اهمیت کارها را تشخیص داد؛ این یکی از راه‌های تشخیص اهمیت مطالب، اهمیت اقدامات و اهمیت موضوعات است. اگر فرض بفرمائید شما در خیابان که دارید حرکت میکنید، یک کسی یک تنه‌ی مختصری به شما بزند، عکس‌العملی نشان نمیدهید؛ اما اگر چنانچه تعرضی بکند، با مشت، با دست، با حربه به شما حمله کند، شما از خودتان عکس‌العمل نشان میدهید، تحرك نشان میدهید. این نشان‌دهنده‌ی این است که حرکتی که علیه شما انجام گرفته است، در آن نوع اول ناچیز است، قابل اعتناء نیست؛ در نوع دوم مهم است. عکس‌العمل‌ها میتواند عظمت کارها را یا بی‌اهمیت بودن کارها را مشخص کند.

در سرتاسر قضایای انقلاب، چه مسائل بزرگ، چه مسائل کوچک، چه حوادث روزمره، چه مسائل کلان و مستمر، انسان این قاعده را جاری و ساری می‌بیند. خود عکس‌العملی که علیه انقلاب و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در دنیای کفر و استکبار به وجود آمد، نشان‌دهنده‌ی عظمت قضیه است.

اینی که از روز اول تشکیل جمهوری اسلامی، دستگاه‌هایی که قدرت دنیا دست آنهاست، پول دست آنهاست، سلاح دست آنهاست، تبلیغات دست آنهاست، رسانه‌ها متعلق به آنهاست، یکپارچه علیه این نظام شروع به اقدامهای گوناگون کردند، نشان‌دهنده‌ی این است که این حادثه برای متولیان ظلم و استکبار جهانی، حادثه‌ی بسیار عظیمی است و برایشان تحمل‌ناپذیر است. همین جور هم هست؛ چون اسلام دین عدل است، اسلام دین انسانیت است، اسلام دین مقابله‌ی با بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها و حق‌کشی‌هاست. خوب، کسانی که همه‌ی وجودشان حق‌کشی است، همه‌ی وجودشان ظلم است، فلسفه‌ی پیدایششان سرکوب زدن به انسانها و عواطف انسانها و موجودیت انسانهاست، قهراً از حضور اسلام متوحش میشوند، بیمناک میشوند و با آن مقابله میکنند. علت مقابله‌ی با جمهوری اسلامی این است. البته بهانه‌ها درست میشود؛ هر چندی یک بار یک بهانه‌ای درست میکنند؛ اما حقیقت قضیه این است. اسلام و جمهوری اسلامی یک راه نوئی را به بشریت ارائه کرد؛ یک حرکت نوئی را به ملتها ارائه داد؛ نشان داد که یک ملتی با اینکه آنچنان سلاحی ندارد، با اینکه آنچنان امکانات مادی‌ای ندارد، میتواند در مقابل قدرترین حکومت‌های دنیا مقاومت کند، بایستد، زیر بار آنها نرود، راه خود را دنبال کند، پرچم عدل و انصاف را بلند کند، پرچم انسانیت را بلند کند. این در دنیای عصر جدید یک چیز نوئی است؛ این را شما باز کردید. در همه‌ی قضایای گوناگون انقلاب همین است.

در مورد خود شما مردم قم، حساسیت در بین دشمنان کشور و دشمنان انقلاب خیلی زیاد است. با قم و قمی و حوزه‌ی علمی و جوانهای قم و روحیات مردم قم اینها بشدت بدند، مخالفند؛ چرا؟ چون از قم سیلی خوردند. استکبار، جبهه‌ی ضد اسلام، جبهه‌ی ضد ملت ایران از قم سیلی خورده است. یکی از مواردی که سیلی خورده، همین نوزدهم دی است. مردم قم زودتر از دیگران احساس تکلیف کردند، اوضاع را شناختند، مسئولیت را حس کردند و به میدان آمدند؛ اینها خیلی مهم است. هم شناختن اوضاع مهم است - بصیرت می‌خواهد - هم احساس تکلیف کردن مهم است؛ روح تعهد و ایمان می‌خواهد که انسان احساس تکلیف کند. بعضی هستند، می‌بینند حادثه‌ی تکان‌دهنده

را، می‌بینند نقشه‌های دشمن را؛ اما احساس تکلیف نمیکنند، تکان نمیخورند. بعضی هستند، می‌بینند که دشمن جبهه‌آرایی کرده است. خوب، وقتی دشمن جبهه می‌آراید، باید ما هم در مقابل، احساس تکلیف کنیم؛ این لازمه‌ی تعهد است، لازمه‌ی ایمان است. بعضی این احساس را ندارند. البته در ملت عزیز ایران این روحیه بود، با حرکت اسلامی و نهضت اسلامی تقویت شد، ریشه‌دار شد و در انقلاب خودش را نشان داد؛ لیکن جاها مختلف بودند. قمی‌ها جلو بودند. در نوزده دی احساس تکلیف کردند و آمدند توی میدان. خوب، میدان هم میدان آسانی نبود - میدان سختی بود - مواجهه‌ی با گلوله بود، مواجهه‌ی با سرکوب خشن دستگاه پلیس و امنیت رژیم طاغوت بود، به کسی رحم نمی‌کردند؛ اما قمی‌ها آمدند داخل میدان.

این بصیرت، این احساس تکلیف، این حضور در میدان، سیلی محکمی بود به دشمنان؛ همین بود که ناگهان پاسخش از تبریز بلند شد، از آن طرف در یزد بلند شد، از آن طرف در شهرهای دیگر بلند شد؛ لذا این حرکت عظیم که زمینه‌هایش را امام بزرگوار ما در طول چندین سال آماده کرده بود، به وجود آمد؛ این سیلی است. دشمن وقتی سیلی می‌خورد، کینه به دل می‌گیرد و مقابله می‌کند. حالا ما که می‌خواهیم خودمان را ارزیابی کنیم، باید محاسبه کنیم. وقتی دشمن در مقابل ما بشدت دندان نشان میدهد، ما باید احساس کنیم که پس توانائی‌های ما بالاست؛ میتوانیم به این دشمن ضربه بزنیم.

همین حرکتی که مردم عزیز قم در سفر چند روزه‌ی این بنده‌ی حقیر انجام دادند، حوزه‌ی علمیه انجام دادند، علما انجام دادند، جوانها انجام دادند، سیلی بر دشمن بود؛ دردشان آمد. آنها نشان دادند که در مقابل این قدرت‌نمائی، این بصیرت، این حضور همه‌جانبه‌ی مردم آسیب‌پذیرند؛ این برای ما ملت ایران درس است. هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فاذا دخلتموه فانکم غالبون». (1) وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه‌ی عمیق معنوی ندارد. آن کسانی که عوامل میدانی او هستند، مزدورند، فریب خورده‌اند؛ خود نقشه‌دارها و صحنه‌گردانها هم که مردمان بی‌ایمانی هستند. وقتی با ایمان وارد میدان میشوید، شما برنده‌اید؛ این برای ملت ایران تجربه است.

در طول این سی و یکی دو سال، ملت ایران با این تجربه توانسته است کارهای بزرگی بکند؛ هم توانسته خود را از لحاظ معیارهای مادی بالا بکشد - همین پیشرفتهای علمی، همین پیشرفتهای فناوری، همین اشتغال دائم به کار در سرتاسر کشور، نشانه‌های پیشرفت مادی است - هم از لحاظ معنوی توانسته است خود را به یک سطح عالی و راقی برساند. ما آیات الهی را دیدیم، نشانه‌های کمک خدا را دیدیم. قبلها کمک الهی و پشتیبانی دست قدرت خداوند را فقط در کتابها میخواندیم؛ امروز در صحنه حس میکنیم، لمس میکنیم؛ همان طور که امام بزرگوار ما این را لمس کرده بود و به من فرمود. دل او قرص بود، چون دست قدرت الهی را میدید.

ملت ایران در میدانهای گوناگون، کمک الهی را، حمایت الهی را لمس کرده است، حس کرده است؛ وقتی توی صحنه است، وقتی آماده‌ی مجاهدت است؛ در جنگ تحمیلی یک جور، در قضایای گوناگون یک جور، در تحرکات سیاسی و در فتنه‌ها یک جور. در همین فتنه‌ی سال 88 دست قدرت الهی بود؛ مردم بیدار شدند، مردم وارد صحنه شدند و یک حرکت عظیم را خنثی کردند.

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان میگوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نایبستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طراحی این

بود که اگر توانستند قاعده‌ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده‌ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشاند؛ با خیال خودشان - من يك وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه‌هایی که حرکت يك قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه‌شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و بساط اینها را جمع کرد.

امروز انقلاب، جمهوری اسلامی، ملت ایران، خط صحیح دین در این کشور، از پیش از قضایای سال گذشته بمراتب قوی‌تر است، روشن‌تر است. علت همین است: خدای متعال هر امتحانی که میکند، يك نمره میدهد. وقتی در يك امتحانی، يك کسی، يك جمعیتی، يك ملتی قبول شدند، خدای متعال به اینها نمره میدهد؛ نمره این است که اینها را بالا می‌آورد. امتحانهای الهی اینجوری است. همین طور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمره‌ی مردودی میدهد و آن مردودی عبارت است از تنزل و انحطاط - انسان از آنی که بود، بدتر میشود - در قبولی هم همین جور است؛ ملتها را بالا میبرد.

در يك دوره‌ای مردم در يك امتحانی شکست خوردند، امیرالمؤمنین را در محراب عبادت به خون کشیدند. خوب، امتحان بدی بود. چرا باید وضع جامعه‌ای به آنجا برسد که کسی مثل آن مجسمه‌ی عدالت و معنویت و توحید، به دست اشقی‌الناس به خون کشیده شود؟ این نشان‌دهنده‌ی امتحان بدی بود که مردم دادند. وقتی این امتحان را دادند، مردود شدند؛ لذا خدا اینها را پائین آورد؛ کارشان به آنجا رسید که حسین بن علی را جلوی چشم آنها کشتند! وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا میبرد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قوی‌تر، پررنگ‌تر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این نمره‌ی الهی است. این شد برای ما دستورالعمل. در همه‌ی قضایا باید اینجوری عمل کرد. باید درست دید، درست سنجید، درست محاسبه کرد. مواظب باشیم در تشخیص اشتباه نکنیم؛ قضایای اصلی را با قضایای فرعی جابه‌جا نکنیم؛ چیزهای بزرگ، حوادث بزرگ و مهم را کوچک نبینیم و در مقابل، حوادث کوچک را بزرگ بینگاریم؛ باید درست تشخیص بدهیم. این قدم اول. بعد هم احساس مسئولیت کنیم. يك ملت زنده، حیات طیبه‌اش این است. حیات طیبه‌ای که خدای متعال به مؤمنین وعده داده است - «و لنحییته حیاة طیبة» (2) - یعنی این؛ یعنی همین طور روزبه‌روز در امتحانهای گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا میروند، به لقاء الهی میرسند، مراتب بالای سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که میمانند، همین طور در دنیا هم پیشرفت معنوی و مادی میکنند. پیشرفت مادی هم هست.

ملت ایران يك راهی را شروع کرده است، در امتحانهای بسیاری پیروز شده است. امتحان جنگ تحمیلی، يك امتحان بزرگ بود؛ ملت در این امتحان پیروز شد. نه فقط پیروزی در جنگ - که آن بود - مهمتر از آن، پیروزی در معیارهای معنوی و الهی بود؛ چون صبر خود را نشان داد، ایثار خود را نشان داد، بصیرت خود را، فداکاری خود را، آمادگی خود را برای حرکت در راه خدا نشان داد. خدای متعال این ملت را ترقی داد و بالا برد، تا امروز. بعد از این هم همین است. دشمنانی که به مصاف ملت ایران می‌آیند، این حقایق را نمیفهمند و درک نمیکنند.

امروز ملت ایران در سیاستهای داخلی خودش مقتدر است؛ در سیاست خارجی خودش مقتدر است؛ در تأثیرگذاری بر روی منطقه مقتدر است؛ در تأثیرگذاری بر روی مسائل مهم جهانی هم مقتدر است؛ اینها يك واقعیاتی است، يك حقایقی است. دشمن از همه‌ی این راه‌ها میخواهد وارد شود که با ملت ایران در بیفتد، نگذارد، مانع بتراشد؛ البته نخواهد توانست. دشمن میخواهد در زمینه‌ی اقتصادی مردم را دچار مشکل کند، مسئولین کشور را دچار زحمت کند؛ همین تحریمها و این حرفها که میشنوید. خوب، نتوانستند. در قضایای خارجی سعی میکنند کشورها را، دولتها را، حکومتها را، ملتها را از ایران بترسانند. همه‌ی این تبلیغات پرحجمی که در زمینه‌ی حقوق بشر، در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، در زمینه‌ی بمب اتم خیالی، آمریکائی‌ها میکنند، صهیونیستها میکنند، اروپائی‌ها دنباله‌رو آنها هستند، بعضی از دولت‌های حقیر و بیچاره هم دنباله‌رو آنها هستند، برای این است که ذهنیت دنیا را، ذهنیت منطقه را نسبت به ملت ایران خراب کنند؛ اما نتوانستند. دلیل نتوانستن این است که امروز در همین منطقه‌ی خود ما آمریکا

در قضاایای فلسطین شکست خورد، در قضاایای لبنان شکست خورد، در قضاایای افغانستان شکست خورد، در قضاایای عراق شکست خورد. از کی شکست خورد؟ از سیاست درست ملتها. آنها میگویند توی این قضاایای گوناگون منطقه‌ای، طرف ما ایران است. ایران نیست. جمهوری اسلامی ایران تأثیرش تأثیر معنوی است. بله، اقتدار جمهوری اسلامی ملتها را بیدار میکند؛ شکی نیست. آن وقت نتیجه این میشود که دولتی در عراق سر کار می‌آید که آمریکائی‌ها همه‌ی تلاش خودشان را میکنند که این بر سر کار نیاید، اما به خاطر بیداری و هشیاری مردم سر کار می‌آید. تأثیر جمهوری اسلامی اینجوری است. در جاهای دیگر هم همین جور است.

ما این راه را ادامه خواهیم داد. ما قلعه‌ها را شناختیم؛ میدانیم کجا می‌خواهیم حرکت کنیم؛ «لتکونوا شهداء علی الناس». (3) این راه، راهی است که باید بتواند ملت ما را به اسلام ناب کامل برساند؛ که خیر دنیا و آخرت در آن است. حیات طیبه‌ی دنیا و آخرت در اسلام کامل است. ما هنوز اوائل راهیم. ما خیلی نقص داریم. ما با آن اسلام کامل خیلی فاصله داریم. راه ما این است. این قلعه‌ها را شناختیم؛ خدای متعال بحمدالله راه را هم به ما نشان داده است؛ عزم و اراده‌ی ملت ایران و مسئولین کشور هم برای حرکت در این راه، عزم و اراده‌ی خوبی است، عزم و اراده‌ی قوی‌ای است.

البته باید بیدار باشیم. همه باید بیدار باشند. نمی‌خواهیم و نباید بالش نرم زیر سرمان بگذاریم، برای خودمان لالائی بخوانیم؛ هی بگوئیم دشمن شکست خورد، دشمن ضعیف است، ما قوی هستیم؛ این نباید ما را به خواب ببرد. ما باید بیدار باشیم؛ همان طور که امیرالمؤمنین فرمود: «و انّ اّخا الحرب الأرق و من نام لم ینم عنه». (4) وقتی درگیری دارید، باید بیدار باشید. درگیری به اختیار من و شما نیست. دشمن می‌خواهد درگیری داشته باشد؛ حالا درگیری سیاسی، درگیری امنیتی، درگیری اقتصادی. همه‌اش درگیری نظامی هم نیست. وقتی درگیری هست، باید بیدار بود. جوانها بیدار باشند، روحانیت بیدار باشد، دانشگاه بیدار باشد، مسئولین کشور بیدار باشند. بیداری مسئولین به این است که هرچه میتوانند، به مردم خدمت کنند، کار کنند؛ و هرچه میتوانند، این یکپارچگی را - که مثل خاری در چشم دشمنان است - حفظ کنند.

ان شاءالله موفق و مؤید باشید. پروردگارا! به محمد و آل محمد این مردم عزیز را از سرچشمه‌ی لطف و فیض خودت برخوردار و سیراب بفرما. پروردگارا! ما را در این راه ثابت قدم بفرما. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوارمان را با اولیائت محشور بفرما.

والسلام علیکم و رحمةالله

(1) مائده: 23

(2) نحل: 97

(3) بقره: 143

(4) نهج البلاغه، نامه‌ی 62